

دختر قهرمان

نویسنده:
حمزه سردادور

سرشناسه:	سردادور، حمزه ۱۲۷۵ - ۱۳۴۹.
عنوان و نام پدیدآور:	دختر قهرمان / نویسنده: حمزه سردادور
مشخصات نشر:	تهران: پر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۵۵۲ ص.
شابک:	978-964-8007-80-0
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
موضوع:	اسماعیل صفوی اول، شاه ایران، ۹۳۰-۸۹۲ق. - داستان
موضوع:	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع:	داستان‌های تاریخی
رده بندی کنگره:	۱۳۹۴ د۳۳۰۳۴۰۳ / ر۴۰۳۳ / ۸۰۹۵ PIR
رده بندی دیویی:	۸۴۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۳۹۷۱۹۴۲

انتشارات پر

- نام کتاب: **دختر قهرمان**
 - نویسنده: **حمزه سردادور**
 - صفحه‌آرایی: **منیر علیزاده**
 - نوبت چاپ: **۱۳۹۵**
 - تیراژ: **۵۰۰ نسخه**
 - قیمت: **۲۸۰۰۰ تومان**
 - شابک: **۹۷۸-۹۶۴-۸۰۰۷-۸۰-۰** ISBN: 978-964-8007-80-0
-
- آدرس: **خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳**
تلفن: ۰۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵ - ۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۶۶۴۶۶۳۶۰

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۵
۱- ماجرای قفس.....	۷
۲- بازگشت.....	۲۶
۳- اسمعیل میرزا بر سر سفره عقد.....	۳۲
۴- فرار.....	۴۴
۵- توطئه نافرجام.....	۵۲
۶- نیرنگ حسین بارانی.....	۸۲
۷- انتقام خون پدر.....	۹۳
۸- دومین پیروزی.....	۱۰۱
۹- نسخه مرگبار.....	۱۱۰
۱۰- محاصره قلعه گلستان.....	۱۲۰
۱۱- جشن تاجگذاری شاه اسمعیل در تبریز.....	۱۴۵
۱۲- شام سرنوشت‌ساز.....	۱۶۳
۱۳- سرانجام الوند سلطان.....	۱۷۹
۱۴- در جستجوی قاتل لیلی.....	۱۷۹
۱۵- جنگ با سلطان مراد.....	۲۰۳
۱۶- عاشق بیقرار.....	۲۰۹
۱۷- جادو و جنبل‌های عایشه.....	۲۱۹
۱۸- حمله به کجاوه تاجلی.....	۲۴۳
۱۹- شب زفاف.....	۲۵۶
۲۰- سردار خون‌آشام.....	۲۷۹

- ۲۱- رازی که فاش شد ۲۸۵
- ۲۲- مژده ۳۰۶
- ۲۳- سفیر روم در دربار شاه اسمعیل ۳۱۳
- ۲۴- طلاقنامه ۳۱۹
- ۲۵- در یک قدمی مرگ ۳۳۰
- ۲۶- لوطی‌های تبریز ۳۳۹
- ۲۷- اتهام ناروا ۳۵۲
- ۲۸- فاصله عشق و انتقام ۳۶۰
- ۲۹- دوران رسوایی ۳۷۳
- ۳۰- تصرف بغداد و عتبات عالیات ۳۸۶
- ۳۱- کیفر میگساری ۳۹۴
- ۳۲- معمای بارداری عایشه ۴۱۰
- ۳۳- بدگمانی زجرآور ۴۲۱
- ۳۴- یک سر بریده در زیر پای اسب ۴۴۵
- ۳۵- عایشه در حرمسرای شیبک‌خان ازبک ۴۵۸
- ۳۶- پدر فرزند عایشه ۴۷۷
- ۳۷- فرار عایشه از مرو ۴۹۱
- ۳۸- دو آرزویی که برآورده شد ۴۹۶
- ۳۹- لحظه انتقام ۵۱۰
- ۴۰- سرانجام عایشه ۵۳۶
- ۴۱- مادر ولیعهد ۵۵۰

سخن ناشر

حمزه سردادور از پاورقی‌نویسان قدیمی ایرانی است که رمان‌های تاریخی فراوانی از وی در چند دهه‌ی اخیر به بازار کتاب راه یافته است و تجدید چاپ‌های متعدد این آثار نشانگر محبوبیت و عامه‌پسندی آن‌ها است. سردادور در سال ۱۲۷۵ هجری شمسی در تبریز به دنیا آمد، وی تحصیلات خود را در مدرسه اقبال که به نام مدرسه روسی شهرت یافته بود به پایان رساند. او چون به زبان روسی تسلط کافی داشت به استخدام بانک استقراض روس درآمد و عازم اصفهان گردید. از طرفی مرحوم سید ضیاءالدین طباطبایی که روزنامه معتبر و پرطرفدار «رعد» را منتشر می‌نمود، از حاکم اصفهان تقاضای یک خبرنگار و نماینده را نمود که حمزه سردادور را به وی معرفی نمودند و از همین زمان بود که وی همکاری خود را با مطبوعات آغاز کرد.

استاد حمزه سردادور اولین اثر خود را که ترجمه‌ای از مستشرق معروف روس «بارتولد» بود به نام جغرافیای تاریخی منتشر نمود که با استقبال بسیار روبرو گردید و از آن زمان همکاری خود با مطبوعات را ادامه داد و مقالات و ترجمه‌های بسیاری را منتشر کرد.

از دهه بیست تا اواخر دهه چهل در مجله «اطلاعات هفتگی» پاورقی نوشت و از عوامل جذابیت و فروش آن مجله، یکی نیز داستان‌های پرآب‌وتاب سردادور بود که پس از پایان چاپ آن‌ها در مجله، به شکل کتاب نیز در اختیار مخاطبین قرار می‌گرفت. بیش از پانزده داستان بلند به رشته تحریر درآورد که ابتدا در مطبوعات منتشر شد و بعد بسیاری از آنان به صورت کتاب انتشار یافت که با استقبال فراوان روبرو شد.

برخی از این آثار عبارتند از: زندانی قلعه قهقهه، از صید ماهی تا پادشاهی، در پس پرده، مهلقا، آزاد زنان، کیمیاگران، دختر قهرمان، افسانه‌ی قاجار، بانوی سربدار و..

وی در داستان‌سرایی بسیار چیره دست بود و بسیار زیبا با کلمات بازی می‌کرد و داستانی را خلق می‌نمود. از خصوصیات فردی وی می‌توان به مهربانی، پاکی و خوش‌قلبی اشاره کرد. سرانجام مرحوم استاد حمزه سردادور در تاریخ ۱۳۴۹/۱۱/۲۰ در سن ۷۴ سالگی درگذشت.

حمزه سردادور در این کتاب با محوریت رمان «دختر قهرمان» به گوشه‌هایی از تاریخ ایران، به ویژه زندگی سیاسی و نظامی شاه اسماعیل صفوی در قالب رمانی حیرت‌انگیز، زیبا و واقعی اشاره کرده است.

در طی تأسیس حکومت صفویه به دست شاه اسماعیل صفوی، حوادث بسیار جذابی رقم خورده که فرزندان «سلطان حیدر» (یکی از نوادگان «شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، عارف نامدار ایرانی) و دختری به نام «تاجلی» که دلبسته‌ی اسماعیل بود، در آن راه تاثیرگذار بودند. بعد از طی حوادث تاریخی، اسماعیل میرزا در سال ۹۰۵ سلسله‌ی صفویه را بنیان نهاد و تاجلی در زندگی و سرنوشت او نقش مؤثری ایفا کرد.

ماجرای قفس

اوایل قرن دهم هجری بود. سرزمین پهناور ایران وحدت خود را از دست داده و به قطعات مختلفی تقسیم شده بود و بر هر قطعه والی یا پادشاهی فرمانروایی و سلطنت می‌کرد. از جمله **کارکیا میرزا علی** به نام والی بر قسمتی از مازندران و گیلان حکومت می‌کرد و مقرش شهر لاهیجان بود. زندگی راحت و بی‌سر و صدای مردم لاهیجان ناگهان درهم شکست و جای خود را به نگرانی و پریشانی داد. غروب یکی از روزها، سیصد سوار خونخوار ترکمن، وارد لاهیجان شدند. آنها مأموریت موحش و جانگدازی داشتند: **رستم میرزا**، پادشاه آق قویونلو که بر آذربایجان و دیار بکر مسلط بود، این سیصد سوار را فرستاده بود تا دو طفل خردسال را که مهمان کارکیا میرزاعلی والی لاهیجان بودند، اگر شد به رضا و رغبت و آلا به جبر و زور بگیرند و به حضور رستم پادشاه ببرند. این دو کودک در نظر والی و همه مردم محترم و عزیز بودند و همه می‌دانستند که اگر به چنگ سواران ترکمن بیفتند یا در بین راه به دست سواران ترکمن نابود خواهند شد و یا خود رستم با دست خود آن دو طفل معصوم را شهید خواهد کرد. شاید رستم از نقطه نظر مصالح سلطنت خود حق داشت تشنه خون این دو کودک باشد زیرا هرکدام از آن دو شراره‌ای بودند که می‌توانستند روزی ملک و دولت او را آتش بزنند و دودمانش را بر باد دهند.

چند نفر از بزرگان لاهیجان که از مأموریت سواران ترکمن آگاه شدند شتابزده به ملاقات والی رفتند تا راه چاره‌ای پیدا کنند. برای والی لاهیجان معمّای بغرنجی پیش آمده بود: اگر والی آن دو کودک بی‌گناه را به دست جلادهای ترکمن می‌سپرد، هم پیش نفس و وجدان خود شرمنده و معذّب می‌گشت و هم در معرض طعن و لعن و نفرین هزاران نفر قرار می‌گرفت. اگر مقاومت می‌کرد و از تسلیم آنها امتناع می‌ورزید، رستم با صد هزار سوار زبده‌ای که به زیر فرمان داشت